

شناختن مقام سلطنت

حضرت ولی امرالله

ترجمه شده



شناختن مقام سلطنت

ولی نباید منظور حضرت بهاءالله سو تعبیر شده و ندانسته تفسیر گردد زیرا هر چند که عتاب آن حضرت نسبت بسلاطین که باو زجر و آزار رساندند شدید بوده و آنهائی را هم که وظیفه اصلی خود را درباره تحری حقیقت امر او آشکارا انجام نداده و دست تعدی ظالمین را کوتاه نکرده اند جمعا مورد ملامت قرار داده ولی در عین حال تعالیم آنحضرت به هیچوجه شامل اصولی نیست که مدل بر طرد و یا حتی بطور ایما و اشاره مشعر بر اهانت نسبت بمقام سلطنت باشد. سقوط فاجعه آمیز و اضمحلال سلسله امپراطوریا و سلاطین که بخصوص عاقبت وخیم آنها را نبوت فرموده و انحطاط آندسته از سلاطین که معاصر حضرتشان بوده و جمعا مورد عتاب قرار گرفته اند - و این هر دو مرحله از تحولات امر را تشکیل میدهد - بهیچوجه نباید با مقام آینده سلطنت اشتباه شود. در حقیقت اگر ما در آثار شارع مقدس دیانت بهائی تمعن نمائیم بیانات بیشماری خواهیم یافت که با عباراتی صریح و غیر قابل تفسیر از اساس سلطنت تجید و از رتبه و مقام پادشاهان عادل و منصف ستایش فرموده و قیام پادشاهانی که از روی عدالت و حتی با ایمان بامر او حکمرانی خواهند کرد پیش بینی فرموده و فریضه مهمه قیام بر عهده داری نصرت پادشاهان بهائی را تلقین فرموده است . هرگاه از نقل بیانات فوق که حضرت بهاءالله بسلاطین ارض خطاب فرموده و از ذکر مصیبتهای دردناکی که اغلب آنها بدان مبتلا شده اند چنین استنباط شود که پیروان آن حضرت عقیده مند و یا طرفدار الغا مقام سلطنت هستند البته این تصور منافی تعالیم آن حضرت خواهد بود.

بهتر آنست که بعضی از بیانات مربوطه حضرت بهاءالله عینا نقل شود تا خواننده درباره خطای چنین استنباطی خود قضاوت نماید. در لوح ابن ذئب سرچشمه حقیقی سلطنت را تعین میفرماید:

”و لكن ملاحظه شئون سلاطین من عند الله بوده و از کلمات انبیاء و اولیاء واضح و معلوم . خدمت حضرت روح (مسیح) علیه السلام عرض نمودند (یا روح الله ایجوز ان تعطی الجزیه لقیصر ام لا قال بلی ما لقیصر لقیصر و ما لله) منع نفرمودند و این دو کلمه یکی است نزد متبصرین چه که ما لقیصر اگر من عند الله نبود نهی میفرمودند و همچنین در آیه مبارکه (اطیعوا الله و اطیعوا الرسول و اولی الامر منکم) مقصود از این اولی الامر در مقام اول و رتبه اولی ائمه صلوات الله علیهم بوده و هستند ایشانند مظاهر قدرت و مصادر امر و مخازن علم و مطالع حکم الهی و در رتبه ثانی و مقام ثانی ملوک و سلاطین بوده اند یعنی ملوکی که بنور عدلشان آفاق عالم منور و روشن است. “ و نیز میفرماید:



TRANSLATION



AUDIO

”حضرت پولس قدیس در رساله باهل رومیہ نوشتہ (لتخضع کل نفس للسلابین العالیہ فانہ لا سلطان الا من اللہ و السلابین الکائینہ انما ربہا اللہ فن یقاوم السلطان فانہ یعاند ترتیب اللہ) و نیز میفرماید (لانہ خادم اللہ المنتقم الذی ینفذ الغضب علی من یفعل الشر) میفرماید ظهور سلاطین و شوکت و اقتدارشان من عند اللہ بود. “ و باز میفرماید:

”سلطان عادل عند اللہ اقرب است از کل یشہد بذلک من ینطق فی السجن الاعظم.“

ہم چنین در لوح بشارت حضرت بہاء اللہ میفرماید:

شوکت سلطنت آیتی است از آیات الہی دوست نداریم مدن عالم از آن محروم ماند.

در کتاب اقدس مقصود خود را تشریح فرمودہ و از پادشاهی کہ بامر او ایمان آورد چنین توصیف میفرماید:

”تاللہ لا نرید ان تنصرف فی ممالککم بل جئنا لتصرف القلوب انها لمنظر البہا یشہد بذلک ملکوت الاسماء لو انتم تفقہون و الذی اتبع مولیہ انہ اعرض عن الدنیا کلہا و کیف هذا المقام المحمود “ “ طوبی للملک قام علی نصرۃ امری فی مملکتی و انقطع عن سوائی انہ من اصحاب السفینۃ الحمراء الی جعلہا اللہ لاهل البہا ینبغی لکل ان یعززه و یوقروه و ینصروه لیفتح المدن بمفاتیح اسمی المہیمن علی من فی ممالک الغیب و الشہود انہ بمنزلۃ البصر للبشر و العزۃ الغراء لجبین الانشاء و راس الکرم لجسد العالم انصروه یا اهل البہا بالاموال و النفوس “ در لوح سلطان حضرت بہاء اللہ در اہمیت مقام سلطنت میفرماید:

”ملک عادل ضل اللہ است در ارض باید کل در سایہ عدلش ماوی گیرند و در ظل فضلش بیاسایند اینقام تخصیص و تحدید نیست کہ مخصوص بعضی دون بعضی شود چہ کہ ظل از مظل حاکی است حق جل ذکرہ خود را رب العالمین فرمودہ زیرا کہ کل را تربیت فرمودہ و می فرماید فتعالی فضلہ الذی سبق الممکات و رحمۃ الی سبقت العالمین.“

در یکی از الواح حضرت بہاء اللہ میفرماید:

”حق جل و عز مملکت ظاہرہ را بملوک عنایت فرمودہ بر احدی جائز نہ کہ ارتکاب نماید امری را کہ مخالف رای روسای مملکت باشد و آنچه از برای خود خواستہ مداین قلوب عباد بودہ احبای حق الیوم بمنزلہ مفاتیحند.“

در عبارات ذیل آرزوی خود را چنین بیان میفرماید:

”امید است کہ یکی از ملوک لوجہ اللہ بر نصرت این حزب مظلوم قیام نماید و بذکر ابدی و ثنای سرمدی فائز شود قد کتب اللہ علی هذا الحزب نصرۃ من نصرہم و خدمتہ و الوفاء بعہدہ.“

آنحضرت در لوح رئیس قیام چنین سلطانی را بطور قطع و یقین نبوت میفرماید:

”سوف یبعث اللہ من الملوک من یعین اولیائہ انہ علی کلشی محیط و یلقی فی القلوب حب اولیائہ هذا حتم من لدن عزیز جمیل.“ در رضوان العدل کہ از مناقب عدالت توصیف فرمودہ نظیر همان نبوت را تکرار میفرماید:

”فسوف يظهر الله في الارض ملوكا يتكثون على نمارق العدل و يحكمون بين الناس كما يحكمون على انفسهم اولئك من خيرة خلقى بين الخلائق اجمعين.“

در کتاب مستطاب اقدس جلوس سلطانی که دارای دو زینت عدالت و عقیده بامر اوست در شهر مسقط الراس وی که ”ام العالم“ و ”مطلع نور“ میباشد باین عبارات پیش بینی فرموده است:

”یا ارض الطأ لا تحزنی من شئ قد جعلک الله مطلع فرح العالمین لویشأ یبارک سریرک بالذی یحکم بالعدل و یجمع اغنام الله الی تفرقت من الذئاب انه یواجه اهل البهأ بالفرح و الانبساط الا انه من جوهر الخلق لدی الحق علیه بهاء الله و بهأ من فی ملکوت الامر فی کل حین.“